

تحلیل ساختاری فعل در گویش گیلکی کلاردشت

از: دکتر یدالله ثمره

مقدمه:

گیلکی مازندرانی یکی از شاخه‌های گویش گیلکی است که بیش از پنجاه هزار تن از مردم مازندران بدان سخن می‌گویند. گستره جغرافیایی این گویش محدود است از شمال به شهرستان چالوس، از جنوب به روستای سیاه‌بیشه واقع در کیلومتر ۱۱ جاده تهران-چالوس، از مشرق به علمده واقع در کیلومتر ۴۰ جاده کناره، دریای خزر بطرف بابل، و از مغرب به تنکابن واقع در کیلومتر ۵۵ جاده چالوس-رشت. مردم این ناحیه زبان خود را گیلکی می‌نامند. وای باید دانست که این گونه از گیلکی با گیلکی گیلان چنان متفاوت است که سخنگویان دو گونه مذکور زبان یکدیگر را با اشکال می‌فهمند. این دو گویش صرف نظر از تفاوت‌های واژگانی و آوایی از لحاظ دستوری نیز تفاوت‌های چشمگیر دارند. از جمله دستگاه فعل است که مورد بررسی این مقاله قرار دارد.

ناحیه‌ای که مواد مورد مطالعه در آن گردآوری گردیده روستای رودبارک است که در منتهی‌الیه غرب منطقه کلاردشت در دامنه علم کوه قرار دارد. مرکز بخش کلاردشت حسن کیف نامیده می‌شود و این محل تا رودبارک حدود ۵ کیلومتر فاصله دارد. هرچند که این منطقه به سبب برخورداری از طبیعت غنی و سرشار از زیبایی‌های اخیر بصورت تفرجگاه مردم شهرستانهای دیگر بویژه تهران درآمد و در نتیجه گویش آن شروع به تأثیرپذیری

از زبان فارسی کرده است و بخصوص رادیو و تلویزیون آهنگ این تأثیرپذیری را شدت بخشیده با اینحال گیلکی رودبارک هنوز به نسبت دیگر گونه‌های گیلکی خالص‌تر مانده است. جمعیت رودبارک، بموجب سهمیه جیره‌بندی مواد غذایی، از ۳۲۰ خانوار و حدود ۱۵۰۰ تن تشکیل شده و متشکل از سه گروه رودبارکی، کرد، و طالقانی می‌باشد. دو گروه اخیر خودداری گویش ویژه، یعنی کردی و طالقانی، می‌باشند. ولی گویش عمومی همان گیلکی کلاردشتی است. علاوه بر گویش محلی، زبان فارسی نیز بعنوان زبان ارتباط با مردم غیربومی بکار گرفته می‌شود.^۱

۱- ساختمان مصدر:

مصدر از چهار جزء یا واژک ساخته می‌شود: پیشوند، ماده فعلی، عنصر زمانی، پسوند مصدری. بدین قرار:

مصدر ————— پسوند مصدری + عنصر زمانی + ماده فعلی + پیشوند^۲

۱-۱- پیشوند عبارت از واژکیست که بر سر ماده فعلی می‌آید و دارای انواع زیر است:

۱-۱-۱- واژک / ba / که دارای واژگونه‌های (ba , be , bo , bi) می‌باشد. مثال:

baberdan بردن

besâtan ساختن

الف - واژه این پیشوند بر طبق قانون هم‌آهنگی واژه‌ای^۳ در بعضی از مصادر به (o) تغییر می‌یابد، مانند:

$$\left. \begin{matrix} \text{ba} \\ \text{be} \end{matrix} \right\} + \text{xordan} / \rightarrow [\text{boxordan}] \quad \text{خوردن}$$

- ۱- در اینجا لازم می‌داند از آقایان صفرعلی نقوی (۶۵ ساله و بیسواد)، فیروز نقوی، (۱۸ ساله و دارای تحصیلات سال دوم نظری) و فرزانه همتی (۲۲ ساله و دارای دیپلم متوسطه) که بعنوان گویشور بومی با پژوهنده همکاری داشته‌اند سپاسگزاری نماید.
- ۲- این پیشوند همیشه حامل تکیه است.

ب - اگر در آغاز ماده فعلی واکه قرار داشته باشد بین این واکه و واکه پایان پیشوند همخوان میانجی (y) حائل گشته و سپس برطبق قاعده همگونی پسگرا^۱ واکه پیشوند ، یعنی [e] ، به [i] که واجگاهش با واجگاه (y) یکسانست تبدیل می گردد .
مثال :

اوردن /be+ ârdan/ biyârdan

۱-۱-۲-واژک /da / ۲:

مثال :

افتادن^۳ dakettan

بستن davestan

۱-۱-۳-واژک /hâ / ۲ مانند :

کردن hâkordan

دادن hâdan

۱-۱-۴-واژک ∅ که بمعنی صفر یا عدم حضور پیشوند است . مانند :

داشتن dâštan

انداختن dangetan

۲-۲- ماده فعلی واژکیست که در ساختمان تمام افعال بچشم می خورد و با حذف عنصر زمانی از ستاک گذشته ، بدست می آید ، مانند :

Kord → Kor

berd → ber

۱ - Regressive assimilation

۲- کاربرد این پیشوند بسیار محدود است و بندرت می توان مواردی غیر از آنچه که در این مقاله آمده است یافت .

۳- این مصدر با پیشوند [ba -] نیز دیده می شود ، یعنی [bakettan] .

۱-۳- عنصر زمانی عبارتست از واژگ زیرساختی /D/ که بدنبال ماده فعلی می‌چسبد و ستاک گذشته فعل را می‌سازد. واژگ مذکور دارای دو واژگونه یا، بسخن دیگر، دو صورت روساختی $\begin{bmatrix} t \\ d \end{bmatrix}$ است.

مثال:

baništan نشستن

baberdan بردن

الف - اگر ماده فعلی مختوم به یک همخوان بیواک باشد عنصر زمانی غالباً " بصورت واژگونه [t] ظاهر می‌شود. ولی اگر ماده فعلی با یک همخوان واکدار و یا واکه پایان پذیرد عنصر زمانی بشکل [d] درمی‌آید. فرمول این قاعده چنین است:

$$/D/ \longrightarrow \begin{bmatrix} t \\ d \end{bmatrix} / \begin{matrix} - \text{واک} \\ + \text{واک} \end{matrix} \text{ ---}$$

ب - اگر ماده فعلی با واکه [i] پایان پذیرد عنصر زمانی [d] برطبق قاعده همگونی پیشگرا به [y] که واجگاهش با [i] یکیست تبدیل می‌شود. فرمول آن از این قرار است:

$$/d/ \longrightarrow [y] / i - \quad \text{مثال:}$$

بودن /dabidan/ \longrightarrow [dabiyān]

کشیدن /bakišidan/ \longrightarrow [bakisiyan]

رسیدن /barisidan/ \longrightarrow [barisiyan]

کوبیدن /bakutenidan/ \longrightarrow [bakuteniyan]

دیدن /badidan/ \longrightarrow [badiyan]

ج - ماده فعلی گاهی فقط از یک همخوان تشکیل می‌شود که در این حالت عنصر زمانی $\begin{Bmatrix} t \\ d \end{Bmatrix}$ برای اجتناب از خوشه دو همخوانی بصورت \emptyset یا صفر درمی‌آید.

فرمول آن چنین است:

$$/D/ \longrightarrow [\emptyset] / \# C \# \text{---}$$

مثال:

دادن / hâddan/ \longrightarrow [hâdan]

رفتن / beštan/ \longrightarrow [be(y)šan]

زدن / bezdan/ \longrightarrow [benzân]

د - اگر ماده فعلی با خوشه دوهمخوانی پایان یابد عنصر زمانی برای جلوگیری از تشکیل خوشه سه همخوانی بصورت صفر درمی آید. یعنی:

$$/D/ \longrightarrow [\emptyset] / CC \# \text{---}$$

مثال:

خواستن / bexâystan/ \longrightarrow [bexâysan]

گرفتن / beyttan/ \longrightarrow [beytan]

گرفتن / hâyttan/ \longrightarrow [hâytan]

۱ - ۴ - آخرین جزء ساختاری مصدر واژگ / an / است، که در تمام مصادر بالا

بچشم می خورد.

این پسوند بسیار بندرت بشکل [ân] درمی آید که با [an] درحالت گونه آزاد^۲ است.

مانند:

زدن bezân = bezan

دادن hâdân = hâdan

۱ - ۵ - مصدرهای بیقاعده:

تعداد بسیار اندکی از مصادر هستند که در قالب ساختاری فوق نمی گنجند.

۲ Free variation

۱ - ≠ ≠ ≠ نشانه مرز درون واژه ایست.

بدین معنی که ماده فعلی بدون پیشوند و عنصر زمانی و پسوند مصدری نقش مصدر را
بعهدہ دارد، مانند:

peres برخاستن

۱-۶- مصادر مرکب:

مصدر مرکب معمولاً از یک گروه اسمی و یکی از مصادر [hâkordan ،
'dâştan ، 'babiyan ، 'boxordan ، biyârdan] تشکیل می‌شود.

مثال:

tâxt hâkordan دویدن

kolkol hakordan سرفه کردن

sabr biyârdan عطسه کردن

pe dâştan بیدار کردن

bidâr babiyan بیدار شدن

bene boxordan زمین خوردن

۲- ساختمان فعل:

۲-۱- ملاحظات کلی:

۲-۱-۱- افعال بدو دسته گذشته و حال تقسیم می‌شوند.

گذشته مشتمل است بر گذشته ساده، گذشته استمراری کامل، گذشته استمراری

ناتمام، گذشته دور.

مفهوم گذشته نقلی در این گویش وجود ندارد و از اینرو ساختمانی جدا از گذشته

ساده برای آن دیده نمی‌شود.

حال مشتمل است بر حال اخباری کامل، حال اخباری ناتمام، حال التزامی، و امر.

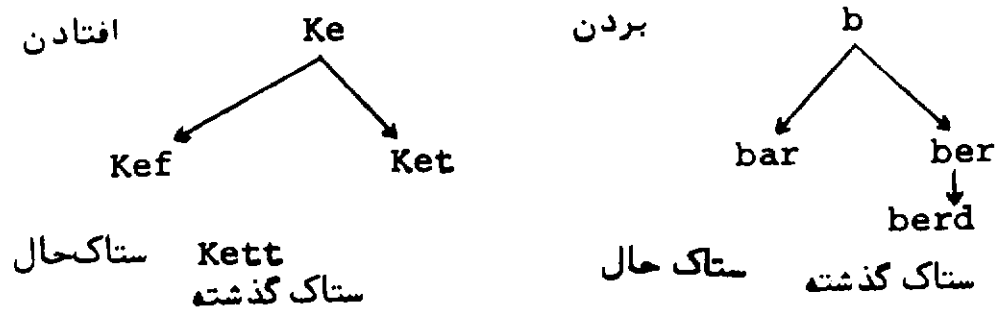
حال اخباری کامل برای آینده نیز بکار می‌رود و بدین جهت ساختمانی جداگانه

برای آینده وجود ندارد.

۲-۱-۲- افعال معمولاً دارای دوسناک گذشته و حال هستند. اغلب می‌توان

یک بن اصلی مشترک تصور نمود که بر اثر تغییرات آواشی بدوسناک گذشته و حال تبدیل

شده باشد.



اما در بعضی افعال دوستاک از دو بن جداگانه مشتق می‌شوند، مانند:

	ستاک گذشته	ستاک حال
آمدن	[mâ]	[e ɣ i]
بودن	[bi]	[dar]
دیدن	[di]	[vi]

۱-۲-۳- با حذف پیشوند و پسوند مصدری از ابتدا و انتهای مصدر، ستاک گذشته فعل بدست می‌آید که بخش اصلی افعال گذشته است. ستاک حال در بعضی افعال فقط با حذف عنصر زمانی از پایان ستاک گذشته بدست می‌آید، مانند:

نشستن	ništ	→	niš
آوردن	ârd	→	âr
خوردن	xord	→	xor

و در بعضی دیگر، علاوه بر حذف عنصر زمانی اجزاء دیگری نیز حذف می‌شوند،

مانند:

بستن	vest	→	v
کوبیدن	Kutini	→	Kut
کردن	Kord	→	Ko

ستاک حال پاره‌ای از افعال از طریق تغییرات آوایی درستاک گذشته همراه با حذف

عنصر زمانی حاصل می‌شود، مانند:

داشتن	dâšt	→	dâr
بردن	berd	→	bar
پاشیدن	pât	→	pâš

در بعضی افعال هم شکل آواشی دوستاک یکسانست ، مانند :

رفتن	š	→	š
دادن	d	→	d

۱-۲-۴ - شناسه‌های صرفی که بدن‌ها ستاک می‌چسبند تعیین‌کننده شخص و شمار فعل بوده دارای رابطه مستقیم با فاعل فعل می‌باشند . به سخن دیگر ، این شناسه‌ها ضمائر متصل فاعلی محسوب می‌شوند .

۱-۲-۵ - دستگاه فعل از سه شخص (متکلم ، مخاطب ، غایب) و دو شمار (مفرد ، جمع) تشکیل می‌گردد و بدین ترتیب شش صیغه بوجود می‌آید .

۱-۲-۶ - فعل " بودن " دارای دو کاربرد متفاوتست :

الف - بعنوان یک فعل مستقل و بمفهوم وجود در زمان و مکان که در این صورت همانند افعال دیگر دارای پیشوند است ، مانند :

dabiyame بودم

ب - بعنوان یک فعل کمکی که در ساختمان صیغه‌های مرکب بکار می‌رود ، و در این حال اگر بعد از فعل اصلی باشد بدون پیشوند است ، مانند

نشسته بودم . و اگر قبل از فعل اصلی قرار داشته باشد همراه با پیشوند خواهد بود ، مانند .
dabiyame vimiyame داشتم (= بودم) می‌دیدم

۱-۲-۷ - اسم مفعول که فقط در ساخت صیغه‌های مرکب از قبیل گذشته دور بکار می‌رود با اضافه کردن پسوند / - e / به مصدر مرخم (= مصدر بدون پسوند مصدری) بدست می‌آید ، مانند :

baberdan → baberde

boxordan → boxorde

۱-۲-۲ - شناسه‌های صرفی

۱-۲-۱ - شناسه اول شخص مفرد واژگ زیرساختی / - m / است

بصورت /M₁/ نمایش می‌دهیم. واژگ مذکور بسته به بافت‌های آوایی مختلف دارای واژگونه‌های زیر است:

[-eme, -me, -ame, -am, -m]

الف - اگر ستاک با همخوان پایان پذیرد [-eme] بدنبال آن می‌آید و چنانچه مختوم بویه‌واکه باشد واکه آغازین شناسه حذف گردیده بصورت [-me] ظاهر می‌شود.
ب - در صورتی که، فعل مختوم بواکه [i] باشد شناسه [-ame] به آن می‌چسبد. فرمول این دو قاعده بدین قرار است:

$$/M_1/ \longrightarrow \left[\begin{array}{c} \text{eme} \\ \text{me} \\ \text{ame} \end{array} \right] / \left[\begin{array}{c} +c \\ +v \text{ (بجز)} \\ i \end{array} \right] \neq \text{---} \quad (1)$$

مثال:

بودم	baberdeme	آدم	bimâme
می‌برم	bareme	می‌آیم	eme
می‌ایستم	esseme	خریدم	baxiriyame
می‌نشینم	nišeme	بودم	dabiyame
نشستم	baništeme	دیدم	badiyame
		می‌آورم	ârimiyame

ج - شناسه [-am] مخصوص وجه التزامی است، و اگر ستاک فعل با همخوان ختم شود بصورت [-am] و در غیر این صورت بشکل [-m] ظاهر می‌شود. فرمول آن چنین است:

$$/M_1/ \longrightarrow \left[\begin{array}{c} \text{am} \\ \text{m} \end{array} \right] / \left[\begin{array}{c} +C \\ +V \end{array} \right] \neq \text{---}$$

۱ - C و V به ترتیب نشانه مشخصه‌های همخوانی (Consonantal) و واکه‌ای (Vocalic) هستند.

۲ - ظاهراً این پسوند از فارسی وارد گیلکی کلاردشت شده است.

مثال:

بنشینم	banišam
بایستم	bessam
خواستم بروم	xâyseme bašom
باشم	dabum

۲-۲-۲ - شناسه دوم شخص مفرد واژک زیرساختی / -e / می باشد که آنرا بصورت / E₁ / نمایش می دهیم . این واژک بسته به بافت‌های آوایی گوناگون بشکل‌های آوایی زیر ظاهر می شود:

[-e , -i , -ne , ∅]

- الف - اگر ستاک مختوم به همخوان باشد شناسه | -e | بدنبال آن می آید .
 ب - در صورتی که ستاک با واکه‌ای بجز [-i] پایان پذیرد شناسه آن [-i] خواهد بود ، ولی اگر آخرین واکه قبل از شناسه [-i] باشد شناسه بصورت صفر درمی آید .
 صورت‌بندی قواعد بالا چنین است :

$$/E_1/ \longrightarrow \left[\begin{array}{c} e \\ i \\ \emptyset \end{array} \right] / \left[\begin{array}{c} +c \\ +v \text{ (i بجز)} \\ i \end{array} \right]$$

مثال:

خوردی	boxorde	آمدی	bimâi
نشستی	banište	باشی	dabui
آوردی	biyârde	بودی	dabi

- ج - [-i] همچنین برای وجه التزامی بکار می رود خواه ستاک با همخوان پایان پذیرد و خواه با واکه^۱ .
 د - [-ne] مخصوص حال اخباریست خواه ستاک مختوم ہو آکه باشد و خواه مختوم به همخوان .

۱ - لازم به یاد آوریست که تلفظ i بعد از واکه پایانی ستاک گرایش به y دارد

$$/E_1/ \longrightarrow \left[\begin{array}{c} i \\ ne \end{array} \right] / \left[\begin{array}{c} \text{التزامی} \left\{ \begin{array}{l} +c \\ +v \end{array} \right\} \\ \text{حال اخباری} \end{array} \right] \# \text{---}$$

مثال:

بخری	baxiri	میخوری	xorne
ببینی	bavini	میائی	ene
باشی	dabui	می‌بینی	vine (۱)
بروی	bašoi	می‌نشینی	nišene

۲-۲-۳- شناسه سوم شخص مفرد واژگ زیرساختی /-e/ می‌باشد که آنرا بصورت /E₂/ نمایش می‌دهیم. واژگونه‌های این واژگ عبارتند از:

$$[-e, -ne, -a, -i, \emptyset]$$

توزیع این واژگونه‌ها برطبق قواعد زیر است:

- الف - اگر ستاک مختوم به همخوان باشد شناسه [-e] بدنبال آن می‌آید.
 ب - در صورتی که ستاک با واکه (بجز a و i) پایان پذیرد شناسه آن [-i] خواهد بود که تلفظ آن معمولا^۲ گرایش به [y] دارد.
 ج - اگر جزء فعلی مختوم با واکه [i] باشد شناسه آن [-a] خواهد بود.
 د - در صورتی که ستاک با واکه [â] پایان یابد شناسه آن \emptyset است، یعنی بدون شناسه.

چهار قاعده^۱ بالا را می‌توان بصورت فرمول زیر بیان کرد:

$$/E_2/ \longrightarrow \left[\begin{array}{c} e \\ i \\ a \\ \emptyset \end{array} \right] / \left[\begin{array}{c} +c \\ +v \text{ (بجز } i, a) \\ i \\ a \end{array} \right] \# \text{---}$$

مثال:

او داشت	dâšte	باید	biyei
او برد	baberde	باشد	dabui
او هست	dare	بود	dabiya
(اگر) بایستد	besse	می بُرد	baberdemiya
		آورده بود	biyârde biya

آمد bimâ

ایستاد bessâ

ه- شناسه [-ne] ویژه حال اخباریست، چه ستاک مختوم به همخوان باشد و چه مختوم بواکه. فرمول این قاعده چنین است:

$$/E_2/ \longrightarrow [ne] / \left\{ \begin{array}{l} +C \\ +V \end{array} \right\} \# \text{ —}$$

مثال:

می برد barne

می آید ene

می خرد xarine

۲-۲-۴ شناسه اول شخص جمع واژک زیرساختی /-mi/ است که آنرا

بشکل /M₂/ نمایش می دهیم. این واژک بسته به محیطهای آوایی مختلف دارای واژگونه های

زیراست: [-ami, -emi, -mi, -im]

کاربرد صورتهای آوایی بالا تابع قواعد زیر است:

الف- هنگامی که ستاکهاواکه [i] پایان می پذیرد شناسه [-ami] بآن می چسبد

ب- اگر ستاک مختوم بواکه ای جز [i] باشد شناسه [-mi] بدنبال آن می آید.

ج- در صورتی که ستاک به همخوان ختم شود شناسه آن [-emi] خواهد بود.

سه قاعده بالا بصورت فرمول زیر بیان می‌گردد:

$$/M_2/ \longrightarrow \left[\begin{array}{c} ami \\ mi \\ emi \end{array} \right] / \left[\begin{array}{c} i \\ +v \\ +c \end{array} \right] \# \text{ ---}$$

مثال:

بودیم dabiyami

دیدیم badiyami

آمدیم bimâmi

می‌آئیم emi

داشتیم dâštemi

داریم dâremi

د - شناسه $[-im]$ ویژه وجه التزامی فعل است، خواه ستاک مختوم به همخوان باشد و خواه مختوم بواکه. فرمول آن چنین است:

$$/M_2/ \longrightarrow [im] / \left\{ \begin{array}{c} +c \\ +v \end{array} \right\} \# \text{ ---}$$

مثال:

بنشینیم banišim

باشیم dabuim

بیاوریم biyârim

۲-۲-۵- شناسه‌های دوم شخص و سوم شخص جمع: بین دوم و سوم شخص جمع

از لحاظ شناسه تمایزی وجود ندارد، بجز وجه التزامی، و معمولا "حضور ضمائر منفصل فاعلی تمایز معنایی این دو صیغه را بوجود می‌آورد. شناسه دو صیغه مذکور واژک زیرساختی /-en/ است که آنرا به شکل /E₃/ نمایش می‌دهیم. واژک مزبور تحت تأثیر محیط‌های آوایی گوناگون بصورت واژگونه‌های [-enne, -anne, -nne] در می‌آید از این قرار:

الف - هرگاه ستاک با همخوان ختم شود شناسه (-enne) بآن می‌چسبد .
 ب - اگر ستاک مختوم هواکه باشد شناسه (-anne) بدنبال آن می‌آید ، و
 در این حال چنانچه واکه پایانی ستاک a یا e باشد واکه آغازین شناسه حذف
 گردیده بصورت -nne در می‌آید . فرمول دو قاعده بالا بدینقرار است :

$$/E_3/ \longrightarrow \begin{bmatrix} \text{enne} \\ \text{anne} \\ \text{nne} \end{bmatrix} / \begin{bmatrix} +c \\ +\sigma \\ \{ \hat{a} \\ e \} \end{bmatrix} (\text{بجز } e, \hat{a}) \# \text{ —}$$

مثال :

می‌خوریم ، می‌خورند	xorenne
داشتیم ، داشتند	dâštenne
داریم ، دارند	dârenne
بودیم ، بودند .	dabiyanne
خریدیم ، خریدند	baxiriyanne
آمدیم ، آمدند	bimânnne
می‌آئیم ، می‌آیند	enne

ج - شناسه‌های / -in / و / -an / به ترتیب مخصوص دوم شخص و سوم شخص
 جمع در وجه التزامی هستند .

مثال :

(اگر) بنشینید	banišin
بنشینند	banišan
باشید	dabuin

۱ - تقریبا " همه " شناسه‌های وجه التزامی با فارسی یکسانند . با احتمال قوی وجه التزامی
 فعل همراه با شناسه‌های آن از فارسی وارد این گویش شده است .

باشند dabuan

بیایید biyein

بیایند biyan

۲- زمانها

۳- ۱- گذشته ساده:

شناسه‌های صرفی + مصدر مرخم

ما بردیم (amâ) baberdemi

شما بردید (šomâ) baberdenne

ایشان بردند (ušon) baberdenne

۳- ۲- گذشته دور:

شناسه‌های صرفی + ستاک گذشته فعل "بودن" با اسم مفعول

برده بودم baberde biyame

برده بودی baberde bi

برده بود baberde biya

برده بودیم baberde biyami

برده بودید baberde biyanne

برده بودند baberde biyanne

۳- ۳- گذشته استمراری کامل:

نشانه استمراری واژگ / mi / است که بصورت پسوند با اسم مفعول می‌چسبد.

شناسه‌های صرفی + mi + اسم مفعول

می‌بردم baberdemiyame

می‌بردید baberdemi

می‌برد baberdemiya

می بردیم	baberdemiyami
می بردید	baberdemiyanne
می بردند	baberdemiyanne

۳-۴- گذشته استمراری ناتمام:

حال التزامی + شناسه‌های صرفی + مصدر مرخم فعل "بودن"

داشتم می بردم	dabiyame	baberam
داشتی می بردی	dabi	baberi
داشت می برد	dabiya	babere
داشتیم می بردیم	dabiyami	baberim
داشتید می بردید	dabiyanne	baberin
داشتند می بردند	dabiyanne	baberan

۳-۵- حال اخباری کامل:

شناسه‌های صرفی + ستاک حال

می برم	bareme	می بریم	baremi
می بری	barne	می برید	barenne
می برد	barne	می برند	barenne

۳-۶- حال اخباری ناتمام:

حال اخباری کامل فعل اصلی + شناسه‌های صرفی + ستاک حال فعل "بودن"

دارم می برم	dareme	bareme
داری می بری	dare	barne
دارد می برد	dare	barne
داریم می بریم	daremi	baremi

دارید می‌برید	darenne	barenne
دارند می‌برند	darenne	barenne

۳-۷- حال التزامی :

شناسه‌های صرفی + ماده فعلی + پیشوند

ببرم	baberam
ببری	baberi
ببرد	babere
ببریم	baberim
ببرید	baberin
ببرند	baberan

۳-۸- امر :

فعل امر دارای دو صیغه مفرد مخاطب و جمع مخاطب است که شناسه‌های آنها به ترتیب Ø و / in / می‌باشد. ساختمان آن چنین است :

شناسه صرفی + ماده فعلی + پیشوند

ببر	baber
ببرید	baberin
برو	bašo
بروید	bašoin

۳-۹- روش منفی ساختن فعل :

واژک تکبیه بر / na / برای منفی ساختن فعل بکار می‌رود. این واژک دارای واژگونه‌های [na, ne, ni] می‌باشد که کاربرد آنها بقرار زیر است :

الف - اگر فعل دارای پیشوند باشد پیشوند آن حذف گردیده بجای آن واژگونه‌های [ni] یا [na] ، بسته به نوع واژه پیشوند ، قرار می‌گیرد. مانند :

haberdeme	ببرم	baber	نشست	banište
naberdeme	نبردم	naber	نشست	nanište

بیم bimâme آمدم biyam بیایم

نیامدم nimâme نیایم niyam

فعل بابیان "بودن" از این قاعده مستثناست، زیرا اولاً "پیشوند آن حذف نمی‌شود و ثانياً "واژگونه" ni بصورت میانوند بین پیشوند و ماده فعلی قرار می‌گیرد.

مثال:

بودم dabiya بود dabiya

نبودم danibiyame نبود danibiya

باشم dabum

نباشم danibum

ب - افعالی که دارای پیشوند نیستند واژگونه [ne] بصورت پیشوند به‌آغاز

آنها اضافه می‌شود. مثال:

داشتم dâšteme دارم dâreme خواستم xâyseme

نداشتم nedâšteme ندارم nedâreme نخواستم nexayseme

۳ - ۱۰ - تصریف فعل "بودن" به‌عنوان یک فعل مستقل:

گذشته ساده:

بودم dabiya

بودی dabi

بود dabiya

بودیم dabiyami

بودید dabiyanne

بودند dabiyanne

حال اخباری:

هستم dareme

هستی dare

هست dare

هستیم daremi

هستید darenne

هستند darenne

حال التزامی:

باشم dabum

باشی dabui

باشد dabui

باشیم dabuim

باشید dabuin

باشند dabun

